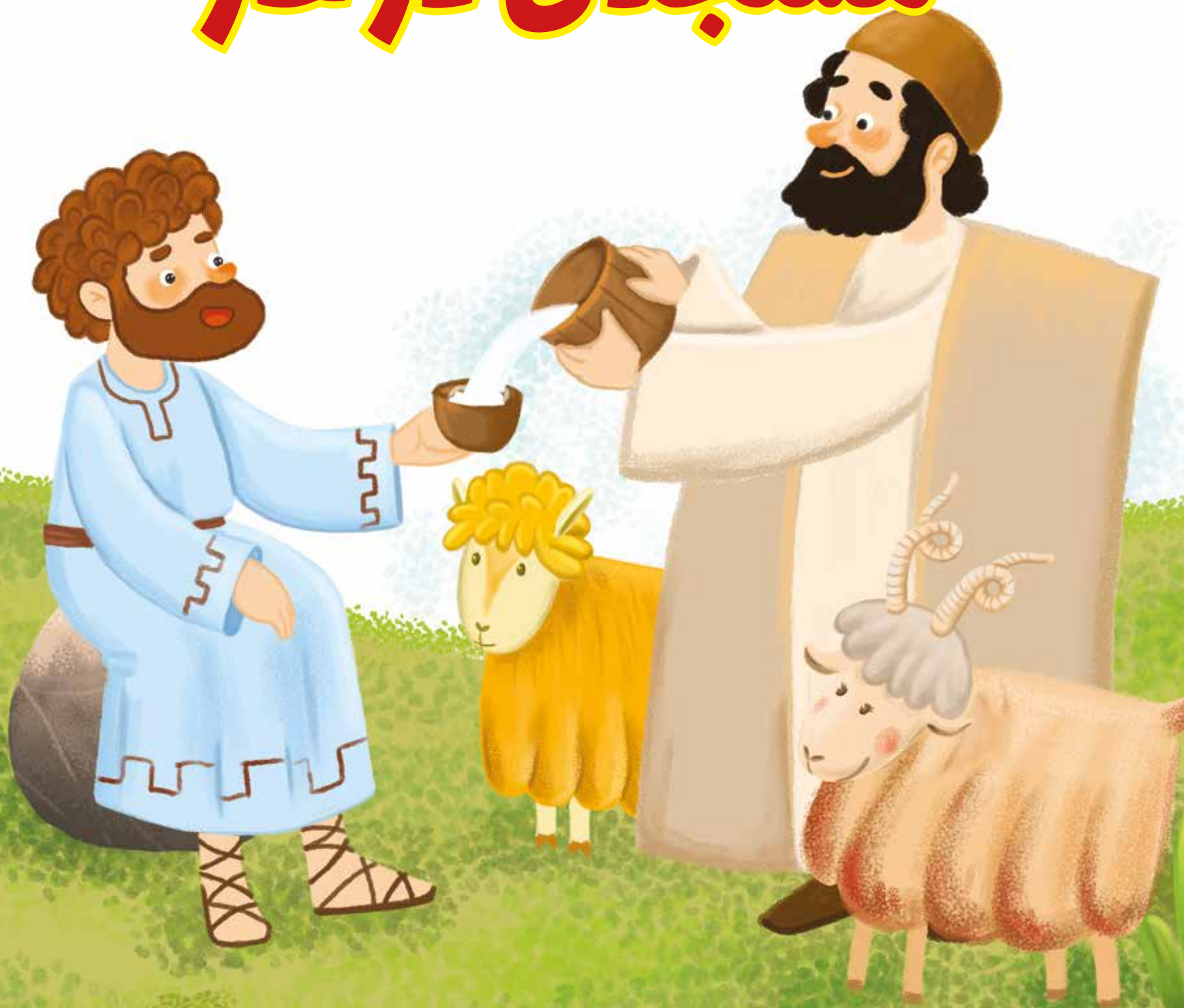


مسجدي در غار





مسجدی در غار

نویسنده: محمد محمدی امین

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی

ناشر: انتشارات مسجدنا

چاپ: اول، تیر ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

گروه سنی: ب و ج

قیمت: ۷۰,۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان همدان





مسجدی در غار

مدیریت پژوهش مرکز رسیدگی به امور

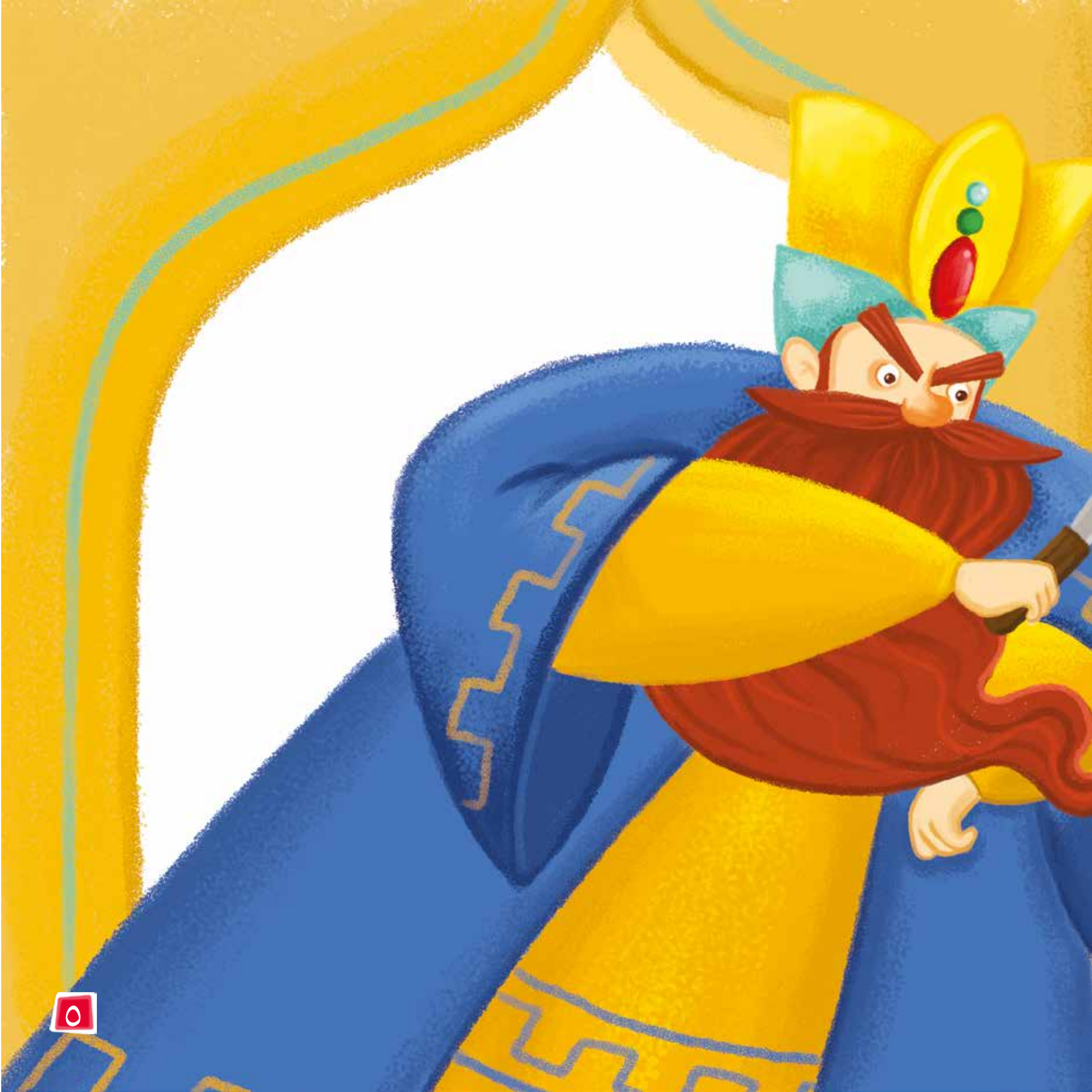
مساجد خراسان

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی

نویسنده: محمد محمدی امین

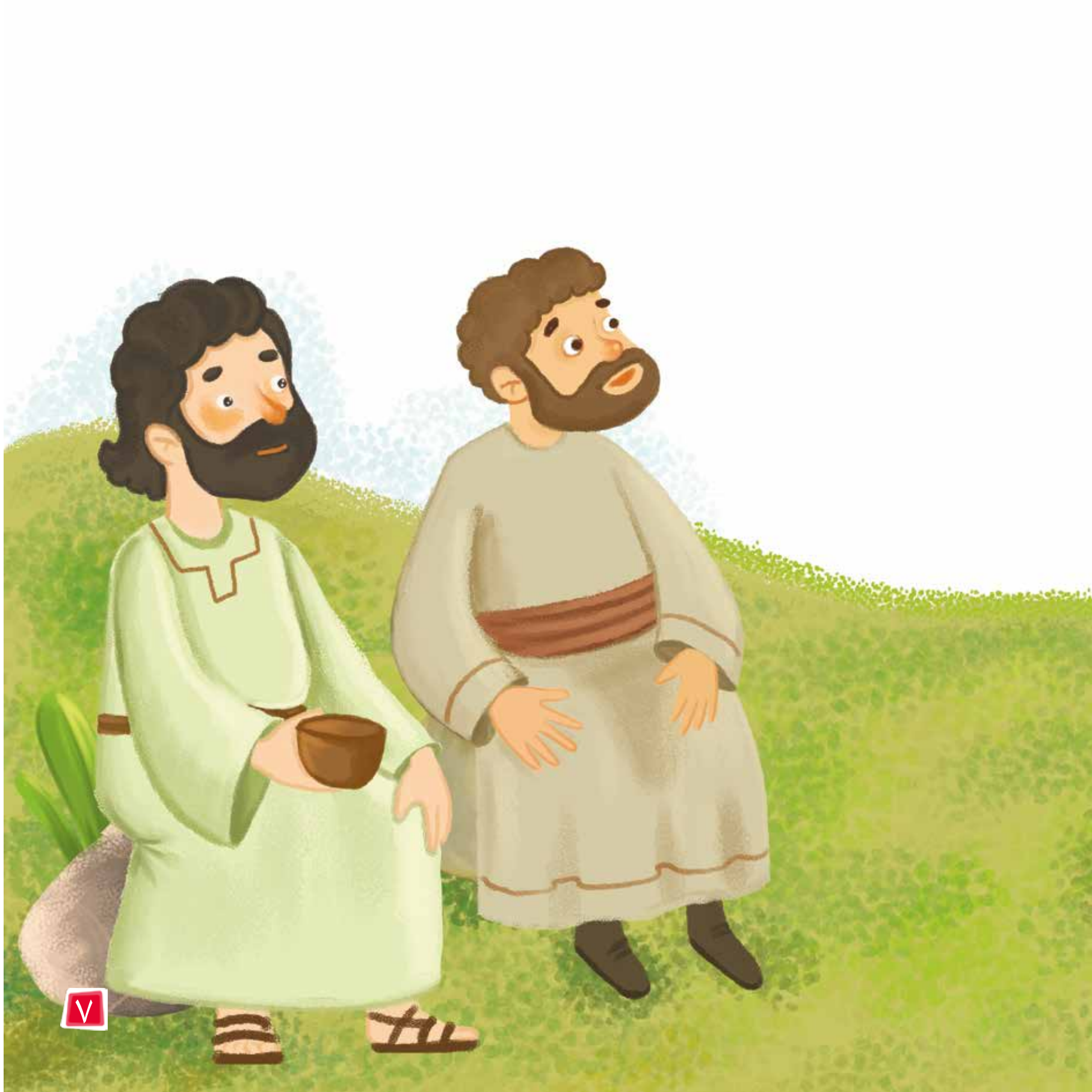
در سرزمینی دور، شهری بزرگ بود که پادشاهی ستمگر به نام دقیانوس داشت. مردم آنجا به جای پرستش خدای یکتا، بت‌های سنگی را می‌پرستیدند. اما در میان آن‌ها، گروهی از جوانان پاکدامن و باایمان بودند که به صورت پنهانی، خدا را عبادت می‌کردند. در یکی از وقت‌هایی که آن‌ها برای عبادت خدا گرد هم جمع شده بودند یکی از آن‌ها گفت: «من شنیده‌ام پادشاه از راز ما آگاه شده و از این موضوع بسیار خشمگین و عصبانی شده و تهدید کرده که اگر از خداپرستی خود دست برداریم ما را شکنجه خواهد کرد.» آن‌ها تصمیم گرفتند به صورت مخفیانه در دل شب از شهر فرار کنند.

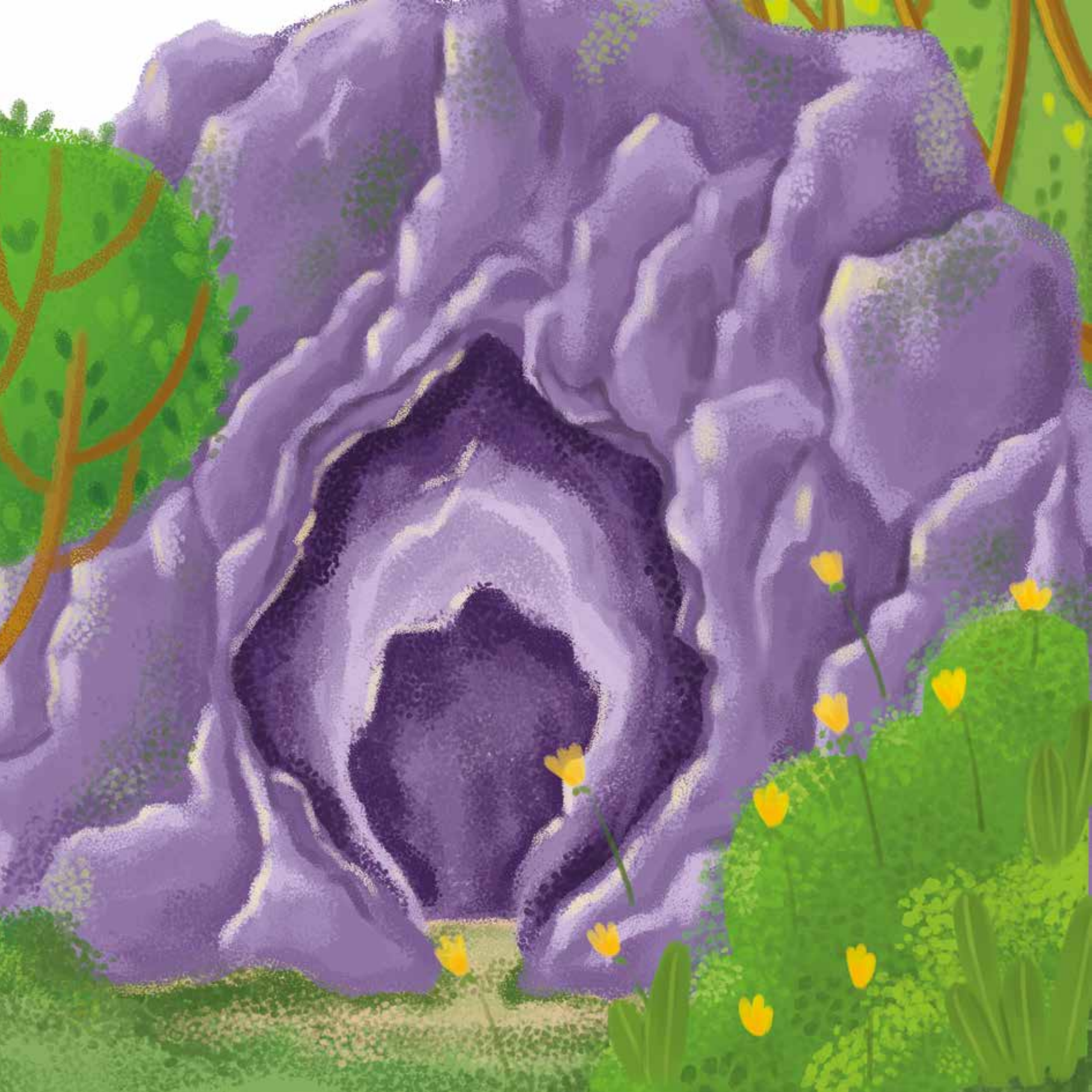




آن‌ها زیر نور مهتاب، از کوه‌ها و بیابان‌ها گذشتند. پس از ساعاتی راه پیمایی، خسته و تشنه به چوپانی مهربان برخوردند که در دل بیابان گله‌اش را می‌چراند. چوپان با دیدن چهره‌های نورانی جوانان، پی به رازشان بُرد و گفت: «شما از دربار دقیانوس گریخته‌اید، درست است؟»







جوانان داستان‌شان را تعریف کردند و چوپان که او نیز خداشناس بود، تصمیم گرفت همراهشان شود. سگ وفادار چوپان به نام قَطمیر نیز پشت سر آنها به راه افتاد.

پس از مسیری طولانی، به کوهی بلند رسیدند. در آنجا از میوه درختان خوردند و از آب چشمه‌ای نوشیدند در ارتفاع کوه، غاری دیدند. وقتی برای استراحت به درون غار رفتند، معجزه الهی رخ داد و خوابی سنگین بر چشمانشان نشست. سیصد و نه سال قمری گذشت. حکومت دقیانوس به تاریخ پیوسته بود و جهان دگرگون شده بود.



آنگاه به اراده‌ی پروردگار، چشمان جوانان گشوده شد. آن‌ها گمان کردند تنها شبی یا بخشی از روز را خوابیده‌اند. وقتی یکی از آنها برای خرید غذا به شهر نزدیک رفت، با جهانی روبرو شد که هیچ چیزش آشنا نبود. مردم با دیدن سکه‌های قدیمی و سخنان عجیب جوان، متعجب شدند! راز غار کشف فاش شد و همه پی به معجزه الهی بردند.







آن جوان ماجرا را برای دوستانش تعریف کرد و گفت ما
سالهای طولانی به خواب رفته بودیم و دقیانسو مرده
است و حکومتش سالها است که نابود شده است و
مردم اکنون خداپرست شده اند!
مردم شهر گفتند: خداوند از این جهت ما را از حال این
جوانان آگاه کرد که بدانیم وعده خدا و قیامت حقیقت
است و قیامت بدون تردید می آید.
مردم تصمیم گرفتند مسجدی بر بالای غاز بسازند تا
همیشه یاد اصحاب کهف (یاران غار) زنده بماند.



قرآن کریم:

«أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم كانوا من ءایاتنا عجا»

آیا پنداشتی اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت‌انگیز ما بوده است.»

«سوره کهف، آیه ۹»





مرکز پخش: مشهد مقدّس، خیابان دانشگاه، خیابان گلستان غربی، ساختمان
محراب. شماره تماس: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۲۶



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان همدان